

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

سیاوش آزاد

۰۹ سپتمبر ۲۰۲۰

## "مسعود" جلاد با تفکر طالبانی

احمد شاه مسعود، در مکتب اخوانیت و دبستان "آی اس آی" پرورش یافت و تمام افکار، اعمال و سکنات سراسر عمر ننگینش متأثر از آن بدآموزی بود.

مسعود و همگان اخوانی اش بنا بر همین وابستگی فکری و سیاسی شان به حلقات اخوانی و استخبارات پاکستان بود که در زمان ریاست جمهوری داوودی زیر نظر جنرال بابر آموزش نظامی را فراگرفته و در امتداد سیاست های سلطه طلبانه نظامیان پاکستان، دست به تحرکات نظامی ناکام سال ۱۳۵۴ در کابل، پنجشیر، کنر، نورستان و بدخشان زدند. بنا به گفته مسعود جریان وقوع حملات مسلحانه قبلاً توسط "گلبدین" به استخبارات "داوود" خان اطلاع داده شده بود. بعد از شکست این حرکات نافرجام، مسعود دو باره رهسپار پاکستان گردیده و بر سر مسأله شکست حملات شان با نظامی های پاکستان و فرد معتمد آنها، گلبدین به مناقشه پرداخته که این خود باعث شکررنجی و اختلاف هر چه بیشتر ایشان گردید.

از همان زمان بود که مسعود راه خود را از همکیش و هم مسلک اخوانی اش گلبدین جدا نموده و در خفا به جست و جوی منابع تمویل کننده جهت برآوردن اهداف سیاسی خودش پرداخت.

با وقوع کودتای ننگین هفت ثور سال ۱۳۵۷ مزدوران روس رهن و در امتداد آن، راه افتادن خیزش های خود انگیخته توده ئی؛ مسعود به دستور آی اس آی و با امکانات مادی – تسلیحاتی آن سازمان، از پاکستان از راه کنر و نورستان داخل پنجشیر گردیده و به تسلیح مردم قراء و قصبات آن ولسوالی پرداخت.

اما قبل از داخل شدن مسعود به دره پنجشیر، احمد جان پهلوان به اتکای مردم سلحشور محل و امکانات ناچیز دست داشته تحرکات نظامی را آغاز نموده و در میان مردم از محبوبیت زایدالوصفی نیز برخوردار بود. مردم پنجشیر و مناطق حومه او را به مثابه زعیم مقاومت پذیرفته و در محور وی خود را بسیج نموده بودند.

در آن هنگام اعضای "جبهه متحد ملی افغانستان" به رهبری زنده یاد "مجید" نیز در همکاری جهت همسوئی و انسجام هر چه بهتر جبهه مقاومت در پنجشیر سهم گرفته و یاری می رسانیدند.

اما مسعود همانند مار آسین با دریافت امکانات وافر مالی – تسلیحاتی فوج پاکستان، دست به توزیع سلاح زده و با مصرف پول، گروه مسلح خود را به وجود آورده و در مماشات با گروه های مسلح احمد جان در منطقه قرار گرفت. مسعود از همان روز اول قدم نامیمونش به دره پنجشیر، از جانب اربابان و تمویل کنندگان بدخواه پاکستانی اش مأموریت گرفته بود تا هر طوری شده، جبهه جنگ میهنی پنجشیر را از عناصر ملی – انقلابی به قیمت تصفیه های

خونین و توطئه های ناجوانمردانه پاکسازی کند. بناءً مسعود طبق دستور از همان بدو امر در صدد حمله بالای گروه های مسلح احمد جان به قصد پاکسازی و یک دست ساختن قدرت بود و منتظر فرصت مناسب ماند.

در مقابل، پهلوان احمد جان و رهبری جبهه مستقل پنجشیر بنا به کمبود امکانات و منابع مالی - تسلیحاتی نمی توانستند با مسلح ساختن مردم، عطش مبارزاتی مردم را پاسخ گویند. از جانب دیگر تحرکات تخریبی و سبوتاژ مسعود که تلاش می نمود تا احمد جان را بدنام سازد و بر پایه امکانات بادآورده مادی - تسلیحاتی خود را در زمان کوتاهی به عنوان سردرسته گروه رقیب تثبیت کرده و در جنگ رویاروی علیه افراد مسلح تحت رهبری احمد جان قرار می گیرد.

مسعود در یک کمین قبلاً تدارک دیده شده احمد جان را خیلی فجیعانه به قتل می رساند و دسته های مسلح تحت امر او را از بین برده و یا هم متواری ساخت. به تعقیب آن هر جنبنده با سواد را تحت نام کافر دستگیر نموده با آب جوی تر نموده و چوب می زد. در امتداد این جنایت هولناکش، مسعود جلاد وظیفه یافت تا به تعداد ۱۲۰ تن از اعضاء و هواداران سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما" در دره پنجشیر را دستگیر نموده و از بالای کوه مکونی به پائین پرتاب کند و سپس سنگ ها را بالای اجساد آنها به پائین انداخته و تمام اجساد را سلاخی کند.

احمد شاه مسعود پسر دگروال دوست محمد خان که توسط شوهر همشیره اش به مبارزات سیاسی در سازمان جوانان مسلمان روی آورده بود، از همان آوان در مکتب ارتجاع و استعمار با مشق و تمرین، راه و روش مزدوری، جاسوسی و جلادی را دقیق آموخته بود.

مسعود به منظور جا انداختن خود در اذهان مردم منطقه، دست به یک سلسله شعبده بازی هائی زد که ریشه در دستگاه های استخباراتی آی اس آی و کی جی بی داشت. به طور مثال به یکی از قرارگاه های مربوطه اش داخل گردیده و افراد مسلح خود را جمع می نماید و به آنها تفهیم می کند که فردا دو ساعت بعد از این وقت قوای هوائی روس ها این مناطق را بمباران می نماید و خودش از ساحه خارج می شود. دقیقاً فردای آن روز دو ساعت بعد تمام دره زیر بمباران روس ها قرار می گیرد.

میریدان کر و کور مسعود در تمام دره تبلیغ کردند که مسعود "اولیاء الله" و "به جای رسیده" است. با این ترفند ها و شعبده بازی های مضحک، مسعود جلاد رگ خواب مردمی را که رسوب خرافات مذهبی تفکر علمی شان را فلج نموده بود، یافته و با استفاده از گزارشات دستگاه های جاسوسی و در هماهنگی کامل با آن ها، در میان عده ای از وابستگان و تحمیق شدگان جای پائی برای خود یافته بود.

مسعود در طول چندین سال زمامداری و گسترش ساحه نفوذش بر چند ولایت مثل کاپیسا، پروان، بغلان، قندوز، تخار و بدخشان و راه انداختن کشتار خونین دسته جمعی از دگراندیشان و نیرو های ملی - انقلابی در پنجشیر، نهرین، کوه صافی، کاپیسا، شولگره بلخ، تخار و بدخشان؛ در روشنی تفکر و عملکردش، تفاوت چشمگیری از لحاظ فکری و عملی با فاشیسم و تفکر طالبانی نداشت. مسعود خودش در زمان آمد آمد طالبان به سوی کابل و شمالی طی مصاحبه ای که همه از آن آگاهند، گفته بود که "ما از لحاظ فکری هیچ اختلافی با طالبان نداریم". فقط در ظاهر امر تفاوت های شکلی و کمی وجود داشت، اما سلوکیات، روش، منش و اخلاقیات موصوف کاملاً با طالبان هم تراز بوده و تفاوت نداشت و در کنه خود با طالبان همسانی داشت و خوانندگان جهت معلومات مزید می توانند به نوار ها های ثبت شده از بیانات آمر مسعود مراجعه نمایند.

ما این جا با شمایل طلبان و تفاوت های ظاهری مسعود و مسعودیان با طالبان کاری نداریم که طالب فقط از قندهار و یا هم پشتون باشد و لنگی به سر داشته باشد و مسعودیان تاجیک و پنجشیری، بلکه این جا اشتراک و همسانی تفکر و عمل افراد معیار قضاوت و مقایسه است.

در مسایل اجتماعی برخورد مسعود و مسعودیان با مردم، زنان، روشنفکران و فرهنگیان ملهم و متأثر از افکار متحجر و فرهنگ منسوخ قرون وسطائی و مردسالاری بود. اولین بار مسعودیان دانش ستیز در پنجشیر، کاپیسا و گلپهار مکاتب را به آتش کشیدند و گوش کارگران فابریکه نساجی گلپهار را به جرم کارگر بودن و سر کار رفتن بریده و در بهار ۱۳۵۸ش شاگردان را از رفتن به مکتب منع کردند. نوع حکومت داری مسعود، استبدادی و پولیسی و آکنده از توطئه و دام گستری بود. شخصیت اجتماعی دوستانش چون گل حیدر، قلندر، جاندر، خارنوال کرام، بسم الله، قانونی، عارف و... این ها همه رفقای شبانه روزی مسعود بوده اند، چنین بود که به جز از رذالت، دزدی، بی ناموسی، چور و چپاول، شکنجه و کشتن بی گناهان، مفاصد اخلاقی، مشغله فکری و عملی دیگری نداشته و ندارند. علاوه از این تشابه فکری، مسعود و مسعودیان از دو نگاه دیگر وجه مشترک عمیقی با طالبان داشته و دارند:

### **الف:- از بعد ملی:**

مسعود و همگان اخوانی اش در همان بطنی پرورش یافته و از آن زاده شدند که همان زهدان نطفه طالبان را پروریده و زائید. یعنی این دو مولود دستگاه جهنمی آی اس آی، از بدو تولد برای خیانت به مادر وطن (افغانستان) زاده شده و در تداوم مزدوری و خیانت ملی شان، در وابستگی مضاعف همزمان به چندین دستگاه استخباراتی دول مغرض و آزمند منطقه و فرمانطقه قرار گرفتند.

### **ب:- شیفته قدرت بودن مسعود و طالبان:**

هم مسعود و مسعودیان و هم طالبان به کرات نشان داده اند که هر دو دچار جنون قدرت بوده و برای رسیدن به قدرت، از ارتکاب هیچ جنایت، خیانت و دنانتی روی گردان نبوده و به هر وسیله غیر شریفانه از قبیل توطئه، تصفیه های خونین گروهی و قومی، قتل عام و تخریب شهر ها و خودفروشی به بیگانگان مغرض و متجاوز دست یازیده اند. در هر دو مورد فوق، شیفته قدرت و مزدوری به اجانب با هم تداخل داشته و در هم تنیده شده است. جنون قدرت و اشتیاق رسیدن بدان از راه های نامشروع و بدون اتکاء به مردم، وابستگی به قدرت های طماع فرامرزی را در پی آورده و مزدوری اجانب، حرص شیفتهگان برای رسیدن به قدرت را آب داده است. مسعود در زندگی سیاسی اش همواره تلاش می ورزید تا وابستگی همزمان و رابطه نامشروع با شبکه های استخباراتی، با دولت ها و مراجع تمویل کننده خود و شورای نظار را از انظار پوشیده نگه دارد. مسعود با دولت امپریالیستی فرانسه روابط خیلی عمیق و پنهانی داشت و تقویت می شد. کمی هم زبان فرانسه می دانست. در همان سال ۱۳۵۹ شمسی بود که غارتگران فرانسوی با ماشین های برمه بر دوش برای استخراج و تاراج سنگ زمرد وارد پنجشیر شدند. مسعود با پرچمی ها روابط گرم توأم با حسن نیت داشته و از خلقی ها نفرت داشت. با گروه کار صوفی شنا سر و سری داشت و این گروه ها همه به نفع مسعود تبلیغ می کردند و این رابطه بیشتر متأثر از ارتباط استخباراتی مسعود با سازمان کی جی بی بود. ارتباط استخباراتی مسعود با سازمان کی جی بی و نظامیان اشغالگر روسی در کشور ما، تا سطح امضای پروتوکول و همکاری نظامی با نظامیان اشغالگر روسی ارتقاء یافت که همگان از آن مطلع اند و اسنادش موجود است. مسعود این مولود آی اس آی در عین داشتن رابطه قوی با کی جی بی، برای حفظ و گسترش قدرت شخصی اش، با سازمان های اطلاعاتی ایران و دول امپریالیستی غربی مثل فرانسه، امریکا، انگلیس و... رابطه داشته و توسط آن دول و سازمان های اطلاعاتی شان حمایت همه جانبه می شد.

مسعود گروه الحديدی را در اوایل رشد داد. بعداً که نفوذ آن گسترده تر شد، رهبر آن را به اسم هاشمی در ملسیه پنجشیر با انداختن هاوان از بین برد. قابل یاد آری دانسته می شود که الحديدی ها مشابهت های نزدیکی با مجاهدین خلق ایران از لحاظ تفکر و اصول تشکیلاتی داشتند. همین ها بودند که چار چوب و طرح به وجود آمدن شورای نظار را پی ریزی کردند. وقتی که مسعود رشد و استحکام الحديدی ها را مشاهده کرد، تصمیم به برچیدن آنها گرفت. تمامی افرادی که در تنگی فرخار به دست "سید جمال ولید" گلبدینی به قتل رسیدند، از گروه الحديدی بودند.

نزد مردم ما گلبدین به قصاب کابل مشهور است، اما در این قصابی کابلیان، قصابان دیگری نیز کار او را تکمیل می کردند. جنگ جنایتکارانه قدرت در اوایل دهه نود قرن بیستم به دستور بیگانگان مداخله گر و هیزم کش، که از پنج رخ مشتعل بود، کابل را ویران کرده و حدود ۷۵۰۰۰ کابلی را به کشتن داد. در رأس این پنج گروه جنگی جنایتکار، پنج قصاب: گلبدین، مسعود، سیاف، مزاری و دوستم قرار داشتند که بی محابا به جان، مال و ناموس کابلیان تاختند و در این ویرانگری، کشتار و بی ناموسی مسعود دست کمی از گلبدین و دیگران نداشت. مسعود را نیز باید در کنار گلبدین، قصاب کابل نامید.

مسعود این را دریافته بود که وی نمی تواند حکمتیار و یا هم سیاف گردد، زیرا وی فاقد استعداد تئوریک و حافظه قوی در فراگرفتن متون بود. از همین رو بیشتر به توطئه روی می آورد و در توطئه استاد بود. او استعداد صحبت نمودن منسجم و جذاب را نداشت. مسعود می توانست در بین عده ای از افراد بی سواد و کم سواد صحبت کند، اما هیچ گاهی همانند افراد آگاه سیاسی قابلیت صحبت مدون را نداشت.

بیشترین افراد منسوب به باند توطئه، دزدی، غارتگری و جلادی مسعود افراد بی سوادی مثل کلینر، درپور، باشی، دهقانان و افراد ابله جار دارای خصال لومپنی بودند. در این جا منظور ما اهانت به بی سواد یا کم سواد این افراد نه، بلکه تأکید بر اصل شایسته سالاری و کار را به کاردان سپردن در عرصه های اجتماعی، سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و... است. در همین رابطه، مشهور است که مسعود آدم های فهمیده دور و برش را دوست نداشته، تحمل نکرده و به گونه ای همچو افراد را نابود می کرد. او از آدم هائی خوشش می آمد که کم تر از آمر صاحب می فهمیدند و صرفاً نادان و بلی گوی بودند.

مسعود این را می دانست که بدون وابستگی قوی به بیرون نمی تواند بر حریفان هم مسلک نیرومندش فائق آید. موصوف این را می دانست که گلبدین اخوانی از طرف آئی اس آی پاکستان تمویل و هدایت می شود و سیاف و هابی از طریق شیخ نشینان عرب تمویل و رهنمائی می شود. مسعود در عین داشتن وابستگی مضاعف به بیرون از افغانستان، با بی اعتمادی کامل بر همه کس، این وابستگی اش را به بهترین نزدیکانش افشاء نمی ساخت.

همان طور که هم اکنون طالبان نمی توانند بدون پایب لاین وابستگی، شبی را سحر نمایند، مسعود نیز تا آخر عمر در پی قدرت پوشالی، در وابستگی زیست و حاصل این وابستگی و حرص قدرت، سرش را خورد.

با این حال دیده می شود که عده ای از روشنفکرانما های هویت باخته که در پخته ساختن قصیده ناکام مانده اند، به پای مسعود جلاد به سجود افتاده و از روی علائق منطقه ئی، قومی، زبانی و سمتی، از مسعود جلاد و قصاب کابل - این بت سرگینی سرنگون شده - شخصیت ممتاز ملی می تراشند. این قماش به جز از پراکندن گند رسوائی خود به اطراف، پیام دیگری برای ارسال کردن به دیگران ندارند.

مبارزان صادق و آگاه سرزمین ما این را نیک می دانند که اولین شاخصه شخصیت های ملی، ضد امپریالیست بودن آنها است. حال آن که مسعود از بستر اخوانیت برخاسته و درس وابستگی، جلادی و ویرانگری را در دبستان استعمار و ارتجاع آزمند منطقه فراگرفته؛ با ارتجاع هار و استعمارگران شرق و غرب در الفت و همآغوشی قرار داشته و سراسر

کارنامه ننگینش سرشار از دشمنی با کشور، با مردم افغانستان، با انقلابیون و آزادیخواهان، با روشنفکران، با زنان و فرهنگیان و دشمنی با وحدت ملی بوده است؛ چگونه می تواند صیغه ملی را در شخصیت خود یدک بکشد؟

کارنامه های جنایتکارانه و خیانتکارانه مسعود و مسعودیان در حق کشور و مردم افغانستان مانند جنایت و خیانت جلادان و میهنفروشان "خلفی - پرچمی"، جمعیتی، گلبدینی، سیافی، خالصی، وحدتی، دوستمی و... به قدر کافی گویا است. گفته مشهوری است که اگر فردی را نمی توانی بشناسی، می توانی وی را از روی دوستانش بشناسی. طبق این گفته، مسعود را می توان از روی ماهیت، موضع ملی و اجتماعی و عملکرد دیروزی و امروزی مسعودیان و کسانی که سنگ وفاداری او را به سینه می کوبند، نیز شناخت.